



رسانه‌ها؛ میان اطلاع‌رسانی و صدور حکم

می‌تواند بسیار متفاوت باشد، «باشگاه از بازیکن یا رقیب شکایت کرده است» یا «تخلف بازیکن یا باشگاه ثابت شده است»، یک معنا ندارد. به همین ترتیب، طرح اتهام دوپینگ، آغاز بررسی یا انتشار یک گزارش رسانه‌ای، به‌خودی‌خود اثبات‌کننده تخلف نیست. واقعیت با پیش‌بینی مجازات به حکم قطعی باشد. تفاوت میان این دو جمله ساده است، اما پیامد آنها

در این میان، رسانه‌ها نیز مسئولیتی مهم بر عهده دارند. مخاطب حق دارد بداند میان باشگاه‌ها چه اختلافی شکل گرفته، چه ادعایی مطرح شده و پرونده در چه مرحله‌ای قرار دارد اما این حق اطلاع‌رسانی نباید بهانه‌ای برای تبدیل اتهام به واقعیت یا پیش‌بینی مجازات به حکم قطعی باشد. تفاوت میان این دو جمله ساده است، اما پیامد آنها

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جباری انصاری
- مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان
- سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
- سردبیر ایران ورزشی: علی جواد
- تلفن: ۱۴۰۵۴۱۱۳۰ • فاکس: ۸۴۷۱۱۳۳
- چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
- سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۵۱۲۰۰۰
- امور سرگرمی: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۵۱۹۵۴
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۳۸۸ - ۱۵۸۷۵

از پرونده یاسر آسانی و اختلاف بر سر بیفوما تا تنش میان تراکتور و ملوان

فوتبال قربانی جنجال و هیاهو!



که همیشه به‌درستی رعایت نمی‌شود.

گاهی هنوز رسیدگی آغاز نشده یا ابعاد اختلاف به‌طور کامل روشن نیست، اما مدیران از محرومیت‌های سنگین، غرامت‌های هنگفت و پیامدهای قطعی سخن می‌گویند. در چنین شرایطی، مخاطب با تصویری روبه‌رو می‌شود که در آن، نتیجه پرونده پیش از بررسی رسمی، مشخص به نظر می‌رسد.

چنین رویکردی می‌تواند این تصور را ایجاد کند که باشگاه‌ها، در کنار پیگیری حقوقی، می‌کشند با افزایش هزینه‌های اعتباری و روانی اختلاف برای رقیب، موقعیت خود را تقویت کنند. البته تشخیص نیت واقعی مدیران از بیرون آسان نیست. ممکن است باشگاهی برای پاسخ‌گویی به نگرانی هواداران موضع‌گیری کند یا واقعاً بر این باور باشد که اطلاع‌رسانی درباره ابعاد پرونده ضرورت دارد. با وجود این، حتی در چنین شرایطی نیز انتخاب واژه‌ها و رعایت مرز میان ادعا و واقعیت اهمیت زیادی دارد.

باشگاهی که به حقانیت خود اطمینان دارد، باید بتواند ادعایش را با اسناد، قراردادهای و مقررات اثبات کند. انتشار بیانیه‌های تند و پیش‌بینی مجازات طرف مقابل، جای خالی مدرک را پر نمی‌کند. از سوی دیگر، سکوت نیز همیشه بهترین انتخاب نیست؛ به‌ویژه زمانی که اطلاعات نادرستی منتشر می‌شود یا افکار عمومی به توضیح نیاز دارد. راه درست، اطلاع‌رسانی دقیق، مستند و متناسب با مرحله رسیدگی است؛ رویکردی که هم حق باشگاه برای دفاع از منافع خود را به رسمیت می‌شناسد و هم مانع از شکل‌گیری قضاوت‌های شتاب‌زده می‌شود.

پرسش اساسی این است که آیا باشگاه‌ها حاضرند اجازه دهند مرجع قانونی درباره اختلاف تصمیم بگیرد یا می‌خواهند همزمان با طرح شکایت، نتیجه را نیز در فضای رسانه‌ای به سود خود رقم بزنند؟ طرح این پرسش به معنای زیر سؤال بردن حق اعتراض نیست بلکه یادآوری این نکته است که فرایند حقوقی باید محل اثبات ادعا باشد، نه ضمیمه‌ای برای جنگ لفظی.

فوتبال به نظم نیاز دارد. نه هیاهوی بیشتر

پرونده‌های آسانی و بیفوما و تنش میان تراکتور و ملوان، فارغ از سرنجام حقوقی هرکدام، مسائلهای مشترک را پیش روی فوتبال ایران قرار می‌دهند: ضرورت ایجاد نظم روشن‌تر در قراردادهای، رسیدگی منسجم‌تر به اختلاف‌ها و مسئولانه‌تر شدن فضای رسانه‌ای.

اختلاف در فوتبال حرفه‌ای اجتناب‌ناپذیر است. قراردادهای ممکن است محل تفسیرهای متفاوت قرار بگیرند، باشگاه‌ها ممکن است درباره تعهدات مالی اختلاف پیدا کنند و حوادث انضباطی نیز گاهی به پرونده‌هایی پیچیده تبدیل شوند. آنچه اهمیت دارد، نحوه مدیریت این اختلاف‌هاست؛ اینکه قانون و اسناد تعیین‌کننده باشند یا فشار رسانه‌ای و جدال هواداری مسیر پرونده‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. شکایت، حق باشگاه است اما صدور

گزارش ویژه

محمد رضا رحیم‌پور

خبرنگار

در لیگ برتر ایران، گاهی سوت پایان مسابقه نه پایان ماجرا، بلکه آغاز فصلی تازه از حاشیه‌هاست. بازیکنان زمین را ترک می‌کنند، مدیران مقابل دوربین‌ها قرار می‌گیرند، بیانیه‌ها یکی پس از دیگری منتشر می‌شوند و سرنجام پای کمیته‌های انضباطی، فدراسیون، فیفا یا کنفدراسیون فوتبال آسیا به میان می‌آید؛ گویی بخشی از رقابت دیگر در مستطیل سبز جریان ندارد و میدان تازه، راهروهای حقوقی و صفحات رسانه‌هاست؛ جایی که هر اختلاف می‌تواند به پرونده‌ای پیچیده تبدیل شود و هر ادعا، موجی از واکنش و پاسخ به راه اندازد.

پرونده یاسر آسانی که در سطح کنفدراسیون فوتبال آسیا نیز مطرح شده، اختلاف بر سر بیفوما و حاشیه‌های پیرامون آن، از جمله طرح ادعاهایی درباره دوپینگ و همچنین تنش میان تراکتور و ملوان، نمونه‌هایی از فضایی هستند که در آن فوتبال ایران بیش از گذشته با منازعات حقوقی و رسانه‌ای گره خورده است. البته ماهیت، مستندات و سرنجام این پرونده‌ها یکسان نیست و درباره هرکدام باید براساس اسناد و تصمیم‌های مرجع صالح قضاوت کرد. با وجود این، کنار هم قرار گرفتن چنین پرونده‌هایی پرسشی جدی را پیش روی فوتبال ایران می‌گذارد: باشگاه‌ها تا چه اندازه برای احقاق حق به مسیر قانونی متکی هستند و از کجا به بعد، رسانه به ابزاری برای اعمال فشار بر رقیب تبدیل می‌شود؟

مسأله، اصل شکایت نیست. فوتبال حرفه‌ای بدون قرارداد، مقررات و سازوکارهای حل اختلاف معنا ندارد. باشگاه‌ها حق دارند از منافع خود دفاع کنند و اگر معتقدند حقی از آنها تضییع شده است، موضوع را از مسیر قانونی پیگیری کنند. مشکل از جایی آغاز می‌شود که پیش از بررسی کامل اسناد و صدور رأی، فضای عمومی به دادگاهی برای محکوم کردن طرف مقابل تبدیل می‌شود؛ دادگاهی که در آن، گاهی صدور حکم رسانه‌ای مهم‌تر از رسیدن به نتیجه حقوقی به نظر می‌رسد.

حق خواهی یا قدرتمایی؟

در فوتبال حرفه‌ای، شکایت ابزاری قانونی است؛ نه نشانه خضومت و نه به‌خودی‌خود دلیلی بر تخلف طرف مقابل. مدیران باشگاه‌ها در قبال منافع مجموعه خود مسئول‌اند و نمی‌توان از آنها انتظار داشت در برابر هر اختلاف قراردادی یا ادعای نقض مقررات سکوت کنند. اگر باشگاهی به این نتیجه برسد که حتی از آن تضییع شده است، پیگیری موضوع در مراجع ذی‌صلاح نه‌تنها حق، بلکه در بسیاری از موارد بخشی از مسئولیت مدیریتی آن به شمار می‌رود. اما میان پیگیری حقوقی و بهره‌برداری تبلیغاتی از یک پرونده فاصله‌ای وجود دارد

جذب بازیکنان بدون رعایت الزامات حقوقی خطای بزرگی است

عارف نیا: مدیران باشگاه‌ها برای استفاده از وکلا مقاومت می‌کنند

واکنش

عارف عارف‌نیا، دبیر انجمن حقوق ورزشی ایران، با انتقاد از شیوه تصمیم‌گیری حقوقی در برخی باشگاه‌های فوتبال، معتقد است کمبود دانش تخصصی و بی‌توجهی به استفاده از وکلای متخصص حقوق ورزشی، خسارت‌های مالی و حقوقی قابل‌توجهی به باشگاه‌ها وارد می‌کند. او همچنین کوتاه بودن دوره مدیریت مدیران عامل و نبود سازوکار مشخص برای پاسخگویی نسبت به تعهدات انجام‌شده را از مشکلات ساختاری فوتبال ایران دانست.

عارف نیا در این خصوص به «ایران ورزشی» گفت: «برخی مدیران عامل باشگاه‌ها اطلاعات حقوقی کافی ندارند و در عین حال، برای استفاده از وکلای متخصص حقوق ورزشی نیز مقاومت می‌کنند.

ادعای یک طرف بدون اشاره روشن به مرحله پرونده منتشر شود، مخاطب ممکن است آن را نتیجه نهایی تلقی کند. اگر پاسخ طرف مقابل نیز بدون بررسی به‌عنوان حقیقت پذیرفته شود، رسانه به‌جای روشن کردن ماجرا، به تقویت روایت‌های متضاد کمک کرده است. رسانه حرفه‌ای باید میان خبر، ادعا، تحلیل و رأی رسمی مرز روشنی نگه دارد. این کار نه به معنای بی‌طرفی در برابر تخلف، بلکه لازمه اطلاع‌رسانی مسئولانه است.

بهای سنگین اختلاف‌ها

برش

باشگاه‌هایی که با بدهی، محدودیت نقدینگی و تعهدات مالی سنگین مواجه‌اند، نمی‌توانند نسبت به هزینه‌های حقوقی بی‌تفاوت باشند. هر پرونده طولانی، علاوه بر هزینه مستقیم، زمان مدیران و کارکنان را نیز می‌گیرد و ممکن است بر برنامه‌ریزی ورزشی، جذب بازیکن و ثبات تیم تأثیر بگذارد. اگر اختلاف به پرداخت غرامت یا محرومیت منجر شود، پیامدهای آن می‌تواند از محدوده یک پرونده فراتر برود.

البته نباید از هزینه‌های حقوقی به این نتیجه رسید که باشگاه‌ها بهتر است از شکایات صرف‌نظر کنند. چنین برداشتی می‌تواند زمینه تضییع حقوق را فراهم کند. مسأله اصلی، کاهش اختلاف‌های قابل پیشگیری و افزایش دقت در تصمیم‌گیری است که پیش از امضای قرارداد گرفته می‌شود.

قراردادهای دقیق، بررسی حقوقی پیش از امضا، ثبت به‌موقع اطلاعات و تعیین روشن شرایط فسخ و تمدید، ابزارهایی هستند که می‌توانند احتمال بروز اختلاف را کاهش دهند. همچنین، باشگاه‌ها باید از همان ابتدا درباره تعهدات مالی و اداری خود تصویر روشنی داشته باشند تا در میانه فصل، اختلاف بر سر مفاد قرارداد به بحرانی تازه تبدیل نشود.

آسانی؛ پرونده‌ای که از داخل به آسیا رسید

برش

پرونده یاسر آسانی نمونه روشن ماجراست. او در تیرماه و پس از عدم دریافت مطالباتش ایران را ترک کرد و گفته شد قراردادش را با استقلال فسخ کرده است. چند روز بعد اما به ایران برگشت تا برای استقلال بازی کند. از همان ابتدای فصل چند باشگاه، از جمله مس شهر بابک، سپاهان، نساجی و پرسپولیس آخرین تیم چادرمو لهم به حضور او در ترکیب آنی‌ها اعتراض کردند. کمیته انضباطی با استعلام از سازمان لیگ اعلام کرد فسخ قرارداد در این سازمان ثبت نشده و استقلال و بازیکن را تبرئه کرد؛ رأیی که در مراحل بعد هم تأیید شد.

اما ماجرا همین‌جا تمام نشد. پرسپولیس با ارائه مدارک تازه، از جمله سندی درباره دندیت آسانی به ایجنشش برای مذاکره، پرونده را به کمیته استیناف برد و خواستار بررسی مکاتبات اسقلال با فیفا شد. کنفدراسیون فوتبال آسیا هم از فدراسیون و استقلال، قرارداد، اسناد ثبتی، مکاتبات فسخ و مکاتبات با فیفا را خواست. فدراسیون ترجمه رأی انضباطی را فرستاد، اما این پاسخ آسیا را قانع نکرد و نامه دوم با جزئیات بیشتر آمد. طرح پرسش از سوی AFC حساسیت ماجرا را بالا برده، اما طرح پرسش با صدور حکم تخلف یکسان نیست.

تبدیل شود، در نهایت همه بازنده خواهند بود؛ باشگاه‌هایی که هزینه‌های مالی و اعتباری می‌پردازند، بازیکنانی که آینده حرفه‌ای‌شان زیر سایه حاشیه‌ها قرار می‌گیرد و هوادارانی که به جای تماشای فوتبال، درگیر جدل‌هایی می‌شوند که گاه ماه‌ها ادامه پیدا می‌کند.

فوتبال ایران بیش از آنکه به بیانیه‌های تند و پیش‌بینی مجازات‌های سنگین نیاز داشته باشد، به قراردادهای شفاف،

حکم، وظیفه مرجع رسیدگی، مدیران می‌توانند از منافع مجموعه خود دفاع کنند، رسانه‌ها می‌توانند پرونده‌ها را پیگیری کنند و هواداران نیز حق دارند درباره مسائل تیم محبوبشان اطلاعات بخواهند. هیچ‌یک از این حقوق نباید جایگزین رسیدگی مستند و قانونی شود. یا به ابزاری برای پیش‌دوری درباره طرف‌های اختلاف تبدیل شود. اگر هر اختلاف به تهدید، هراس‌دعا به اتهام و هر پرونده به جنگی رسانه‌ای

قرارداد یا توافق برای خاتمه همکاری می‌کنند. در چنین شرایطی، فسخ قرارداد یا تنظیم توافقنامه اقاله بدون بررسی تخصصی می‌تواند به‌جای حل مشکل، تعهدات تازه‌ای ایجاد کند یا خسارت بیشتری به باشگاه تحمیل کند. او معتقد است استفاده از مشاوره حقوقی تخصصی باید از ابتدای مذاکرات و پیش از امضای اسناد در دستور کار باشگاه‌ها قرار بگیرد؛ چراکه اصلاح یک تصمیم پیش از امضای قرارداد، معمولاً بسیار ساده‌تر از دفاع در برابر یک دعوی حقوقی پس از بروز اختلاف است.

عارف نیا در بخش دیگری از صحبت‌هایش بر ضرورت بررسی وضعیت پزشکی بازیکنان پیش از عقد قرارداد تأکید کرد و هشدار داد که باشگاه‌ها نباید مراحل مختلف جذب بازیکن را بدون رعایت الزامات حقوقی و پزشکی پیش ببرند. این کارشناس حقوق ورزشی تأکید کرد که باشگاه‌ها باید پیش از امضای هرگونه سند، ماهیت و آثار حقوقی آن را به‌دقت بررسی کنند. بی‌توجهی به همین جزئیات می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات و پرونده‌هایی شود که علاوه بر هزینه‌های مالی، آینده ورزشی باشگاه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بماند، اما تعهدات قراردادی برای سال‌های آینده ایجاد می‌کند، باید سازوکار مشخصی برای بررسی تصمیمات و مسئولیت‌پذیری نسبت به پیامدهای آنها وجود داشته باشد. « دبیر انجمن حقوق ورزشی ایران، تصمیم‌گیری در روزهای پایانی نقل‌وانتقالات را یکی دیگر از عوامل ایجاد مشکلات حقوقی دانست و تأکید کرد که باشگاه‌ها نباید برای رسیدن به توافق سریع، بررسی دقیق مفاد قرارداد را کنار بگذارند.

به گفته عارف‌نیا، گاهی مدیران در شرایطی که زمان نقل‌وانتقالات رو به پایان است، بدون ارزیابی کامل آثار حقوقی تصمیمات خود اقدام به امضای

بماند، اما تعهدات قراردادی برای سال‌های آینده ایجاد می‌کند، باید سازوکار مشخصی برای بررسی تصمیمات و مسئولیت‌پذیری نسبت به پیامدهای آنها وجود داشته باشد. « دبیر انجمن حقوق ورزشی ایران، تصمیم‌گیری در روزهای پایانی نقل‌وانتقالات را یکی دیگر از عوامل ایجاد مشکلات حقوقی دانست و تأکید کرد که باشگاه‌ها نباید برای رسیدن به توافق سریع، بررسی دقیق مفاد قرارداد را کنار بگذارند.



مدیریتی در حالی که آشنایی عمومی به حقوق یا حتی تسلط به زبان خارجی برای مدیریت پرونده‌های بین‌المللی فوتبال کافی نیست. در این پرونده‌ها، انتخاب یک واژه، تنظیم یک بند قراردادی یا نحوه طرح خواسته می‌تواند سرنوشت دعوی را تغییر دهد و هزینه‌های سنگینی به باشگاه تحمیل کند. او با اشاره به پیامدهای تغییرات مدت کوتاهی در سمت خود باقی

از آسانی تا بیفوما؛ قراردادهایی که به پرونده تبدیل می‌شوند

1

پرونده‌های مرتبط با بازیکنان خارجی و اختلاف‌های قراردادی، بار دیگر اهمیت نظم حقوقی در فوتبال ایران را برجسته کرده‌اند. حضور بازیکنان خارجی برای باشگاه‌ها تنها به معنای تقویت فنی تیم نیست؛ مجموعه‌ای از تعهدات مالی، قراردادی و اداری نیز همراه آن شکل می‌گیرد که کوچک‌ترین انهما در آنها می‌تواند به اختلافی پرهزینه تبدیل شود.

در پرونده یاسر آسانی، بازتاب رسانه‌ای موضوع و پیگیری آن در سطح کنفدراسیون فوتبال آسیا، بار دیگر توجه‌ها را به ضرورت روشن بودن وضعیت قراردادی بازیکنان و مقررات مرتبط جلب کرده است. در ماجرای بیفوما نیز اختلاف‌ها و ادعاهای مطرح شده، از جمله موضوعاتی که در رسانه‌ها درباره دوپینگ عنوان شده، فضای پرونده را پیچیده‌تر کرده است. با این حال، باید میان طرح ادعا، آغاز رسیدگی و صدور رأی نهایی تفاوت گذاشت. هیچ‌یک از این مراحل به‌تنهایی جایگزین اثبات تخلف نیست.

همین تمایز در پرونده‌های بین‌المللی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا اختلاف ممکن است به مقرراتی وابسته باشد که باشگاه‌ها، بازیکنان و واسطه‌های قراردادی باید از آنها اطلاع داشته باشند. گاهی مسأله به تفسیر یک بند قرارداد مربوط می‌شود، گاهی وضعیت ثبت یا فسخ قرارداد محل اختلاف است و گاهی نیز طرفین درباره تعهدات مالی یا تشریفات اداری برداشت یکسانی ندارند. هرکدام از این موارد مسیر رسیدگی خاص خود را دارد و نمی‌توان بدون بررسی اسناد، درباره نتیجه آنها حکم قطعی صادر کرد.

آنچه در این میان اهمیت دارد، پرسش از چگونگی شکل‌گیری اختلاف‌هاست. آیا قراردادها پیش از امضا به‌دقت بررسی می‌شوند؟ آیا وضعیت ثبت، تمدید و فسخ آنها برای همه طرف‌ها روشن است؟ آیا باشگاه‌ها از مشاوره حقوقی تخصصی برخوردارند؟ و آیا سازوکاری قابل اتکا برای استعلام و تأیید اطلاعات قراردادی وجود دارد؟

اگر پاسخ این پرسش‌ها روشن نباشد، احتمال تکرار اختلاف‌ها افزایش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، هر باشگاه روایت خود را مطرح می‌کند و هواداران نیز بر اساس اطلاعات ناقص یا گزینشی به قضاوت می‌رسند. در نهایت، پرونده‌ای که باید با بررسی چند سند و اجرای مقررات تعیین تکلیف شود، به موضوعی چندپایه در رسانه‌ها تبدیل می‌شود.

2

تراکتور و ملوان؛ وقتی اختلاف از زمین فراتر می‌رود

ماجرای تراکتور و ملوان نیز از زاویه‌ای دیگر اهمیت دارد. این بار، موضوع تنها اختلاف قراردادی یا مطالبه مالی نیست؛ رفتار تماشاگران، اعتراض بازیکنان و نحوه مدیریت مسابقه نیز در مرکز بحث قرار گرفته‌اند. چنین پرونده‌هایی نشان می‌دهند که حاشیه‌های فوتبال ایران محدود به قراردادهای نیست و گاهی مسائل انضباطی و اجتماعی نیز به منازعاتی گسترده میان باشگاه‌ها تبدیل می‌شوند.

در این موارد، نخستین وظیفه نهادهای مسئول آن است که اتفاقات را با اتکا به شواهد بررسی کنند. روایت باشگاه‌ها، اظهارات بازیکنان، گزارش ناظر داور و مستندات صوتی و تصویری، هرکدام می‌توانند بخشی از واقعیت را روشن کنند. اما هیچ‌کدام نباید بدون بررسی در جایگاه حکم نهایی قرار بگیرند. مشکل زمانی آغاز می‌شود که اختلاف بر سر ماهیت حادثه، جای خود را به اتهام‌زنی متقابل می‌دهد. هر طرف ممکن است برای دفاع از موضع خود بر بخشی از ماجرا تأکید کند و بخش دیگری را نادیده بگیرد. در این وضعیت، فضای رسانه‌ای به جای کمک به روشن شدن حقیقت، به میدان تقابل روایت‌ها تبدیل می‌شود.

نهادهای انضباطی باید بتوانند مستقل از فشار باشگاه‌ها و هیجان هواداران، درباره مسئولیت‌ها تصمیم بگیرند. اگر تخلفی اثبات شود، برخورد باید متناسب و مستند باشد؛ اگر ادعایی اثبات نشود، این موضوع نیز باید با توضیح روشن اعلام شود. آنچه به اعتبار فوتبال لطمه می‌زند، صرف وجود اختلاف نیست؛ بلکه انهما طولانی، تصمیم‌های غیرشفاف و برداشتهایی است که از نبود اطلاعات دقیق شکل می‌گیرند.

بیفوما؛ از قرارداد تا برچسب دوپینگ

3

در همین حال، ماجرای نبوی بیفوما به حاشیه‌ای جدی‌تر تبدیل شده است. نام او با اتهام دوپینگ مطرح شد؛ گزارشی که پس از تماس یک فرد با ستاد ملی مبارزه با دوپینگ بالا گرفت. این فرد مدعی که اصلاً هویش مشخص نیست، اعتقاد داشت عملکرد بیفوما نسبت به فصل گذشته بهتر شده و باید از او آزمایش گرفته شود. قائم مقام ستاد ملی مبارزه با دوپینگ در یک برنامه تلویزیونی تأکید کرد درخواست تلفنی، غیررسمی است و نمی‌توان بایک تماس از بازیکنی نمونه گرفت. او حتی گفت چه کسی تماس گرفته است. با این حال پرسش باقی ماند: چرا چنین بحثی اصلاً مطرح شد و آیا اتهام به بازیکنی که در زمین می‌درخشید، نوعی تسویه حساب با رقیب نیست؟ طرح درخواست آزمایش با اثبات مصرف ماده ممنوعه فاصله‌ای زیاد دارد.

دوپینگ فقط یک سوی ماجراست. بیفوما در پایان اردیبهشت ۱۴۰۴ از استقلال خوزستان به پرسپولیس پیوست. بر اساس توافقاتی که در آن زمان صورت گرفت، قرار بود پرسپولیس ۳۵۰ هزار دلار بپردازد تا سال دوم قرارداد بازیکن با استقلال خوزستان منتفی شود. پرسپولیس پرداخت را مشروط به استعلام از سازمان لیگ کرد، چون قرارداد دوساله بازیکن با خوزستان ثبت نشده بود. مدیران استقلال خوزستان

مدعی‌اند پرسپولیس به تعهدش عمل نکرده، چند بار تهدید به شکایت به فیفا کردند و حالا به گفته رئیس هیأت مدیره‌شان، پرونده به اتاق حل اختلاف فیفا رسیده و رقم مطالبه هم بالاتر از ۳۵۰ هزار دلار اولیه مطرح می‌شود. طرف دیگر ماجرا هم بیکار ننشسته است، خود بیفوما برای دریافت مبلغ سال دوم قراردادش از استقلال خوزستان به فیفا شکایت کرده است.

در بحبوحه این هیاهو، مدیرعامل استقلال خوزستان صراحتاً گفته باشگاهش «بازیکن نمی‌خواهد، فقط پول می‌خواهد». ۳۵۰ هزار دلار برای باشگاهی که به گفته مدیرانش بازیکنانش هنوز دریافتی نداشته‌اند، رقمی حیاتی است. این یعنی ادعای باشگاه می‌تواند کاملاً واقعی و دلیل نگرانی اش باشد. مشکل از همین‌جا شروع می‌شود؛ وقتی حق خواهی با رجزخوانی همراه شود، مخاطب نمی‌داند با دادخواست طرف است یا با نمایش.

